

چک - سند ذمه‌ای ثبتی - محکوم به - سفته

غالباً اتفاق میافتد که اشخاصی از وکلاء استفسار میکنند که چه سندی در عرف تجارت از نظر قانون دارای اعتبار کافیه بمعنی اخص و اتم میباشد و هر کدام جوابی برونق سلیقه و نظریه مخاطب خود میشوند.

ولی اینجانب عقیده خود را نسبت به معتبرترین سند زمان حاضر بطریق آتی تشریح و تعریف مینمایم تا مورد توجه و احياناً بحث قرار گیرد شاید از نظرات علماء و دانشمندان حقوق استفاده و استفاضه نمایم.

۱ - چک - چک بنابه تعریف قانون تجارت نوشته‌ای است که بموجب آن صادر کننده وجوهی را که در نزد محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا بدیگری واگذار مینماید. با این تعریف معلوم میشود که دارنده چک باعتبار وجود دسته چکی که همراه دارد و باعتبار شماره حسابداری که در بانک باز کرده میتواند برای گذراندن امور خود یا اعمال سوءنیت بهر تقدیری که در نظر بگیرد با داشتن اعتبار موهوم چکی که متضمن مبلغی باشد صادر و در مقابل چک صادره عین معین بدست آورده و هر گونه تصرفات مالکانه را نسبت بآنچه در مقابل چک صادره بدست آورده بنماید اما دارنده چک که فریب اعتبار موهوم را خورده و مغرور شده همان روز صدور چک یا فرداً چک را بپانک مربوطه رسانیده و تقاضای نقد کردن آنرا مینماید متأسفانه چک از پاراف رئیس اعتبارات برگشته و خالی‌الوجه یا مخدوش یا در هر صورت مشمول ماده ۳/ لایحه قانونی چکهای بی محل معرفی میشود پانک برای تسهیل کار خود و دارنده چک یادداشتی بچک پیوست نموده و علت برگشت چک را در یادداشت ذکر مینماید.

دارنده چک با دلگرمی و توجه بمقررات شخصاً یا وسیله وکیل طبق مقررات ماده ۸/ لایحه قانونی چک بی محل مبادرت بصدور و ابلاغ اظهارنامه مینماید و در اظهارنامه نیز اولتیماتوم بند (ب) ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات عمومی را برخ کشنده چک میکشد ولی کشنده چک با کمال خونسردی اظهارنامه را ثبت کرده و در ظرف ده روز هم حاضر بانجام هیچگونه عملی نخواهد شد چه آنکه میداند؟ چنانچه از طرف دارنده چک باستناد بند (ب) ماده ۲۳۸ مکرر بدادسرا شکایت شود دادسرا بجز آنکه معادل وجه چک یا بیشتر از مشتکی عنه وجه الضمان اخذ کند هیچگونه طریق دیگری ندارد خاصه آنکه ماده ۱۲۹/ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از آئین دادرسی کیفری نیز بزرگترین کمک را با متهمین و مجرمین در این اواخر کرده و در هر حال دست دادرس را بسته است از آن گذشته ماده ۱۱۲ نیز مجوزی برای رفتن وکیل در دایره بازپرسی و راهنمایی و احياناً هزار گونه لیت و لعل بدست داده است.

چک - سند ذمه‌ای ثبتی - محکوم به - سفته

در عین حال ممکن است چک گاهی هم دچار مقررات ماده ۳۱۵ قانون تجارت بشود که از آن جهت هم موجباتی بر رد دعوی شاکی فراهم گردد - در این صورت پس از طی تشریفات قانونی و صدور کیفرخواست و ارسال پرونده بدادگاه جنحه تازه اول دعوی حقوقی و کیفری است که باید دارنده چک علیه کشته اقامه دعوی ضرروزیان نموده و در جریان رسیدگی قرار گیرد و در نتیجه چندین مرحله از رسیدگی را طی کند در صورتیکه کشته محکوم شد از نظر کیفری حداکثر ارفاق باو شده و به کمتر از دو ماه محکوم میشود که قابل خریداری است و راه فرار او باز است و استرداد وجه الضمان هم بنبغ خودش مانع قانونی ندارد نسبت به محکومیت حقوقی (اگر محکوم شد) راه تقدیم دادخواست اعسار برویش باز میباشد و مدتی هم دارنده چک را از این راه معطل مینماید تازه در این مورد و در چنین رسیدگی باعسار مشارالیه ماده ۳۷ قانون اعسار مصوب آذر ۱۳ حق تقسیرا بدادگاه داده و دادگاه میتواند در آخر چنین پیشنهادی کرده و تصمیم هم اتخاذ نماید پس این است سرنوشت چک.

(سند ذمه‌ای ثبتی)

سند ذمه‌ای ثبتی نیز دچار همان عملیاتی که چک دارد میباشد چه آنکه بعد از صدور اجرائیه با مهلت ده روزه مصرحه در قانون و آئین نامه اجراء اسناد رسمی و صراحتی که در ماده ۱۳/ آئین نامه مزبور هست سند لازم الاجراء هم دارای اعتبار کافی برای سرعت وصول حق صاحب حق نیست و پس از آنکه از تمام مراحل اولیه گذشت و اعسارش هم رد شد تازه اختیار آقای رئیس ثبت و حکومت ماده ۳۳ برای تضييع حق طلبکار کافی است و لازم بهیچگونه رفت و آمد و زحمتی نیست و اگر از آن ماده هم استفاده نشود باز هم کافی است که بدهکار برای اولین بار مهلت بگیرد و آزاد شود و با اغفال طلبکار یا مأمورین اجراء برای بار دوم هم مهلت بخواهد و کسب آزادی بنماید آنوقت است که در پشت سنگر ماده ۳۴/ آئین نامه اجراء باسانی طلب صاحب حق را حیف و میل کرده و از هضم رابع بگذراند پس از این سند هم نتیجه مثبت و عالی قضائی دستگیر کسی نمیشود این سند نیز بسرنوشت چک دچار است.

(محکوم به)

محکوم به نیز باز دچار همین شقوق شده و بهزار بند و زنجیر قانونی بند آمده و در آخر کار بکمک مواد ۵۵-۵۶ قانون تسريع محاکمات راه فرار بدهکار محکوم علیه باز است و اگر از این راهها هم نتوانست بکلی حق طلبکار را بخورد از راه ماده ۶۱ همان قانون استفاده نمود و بهر نحوی شده تقاضای توقیف را بدو باز رسانیده و خود را برای همیشه آزاد میگذارد و طلب و دین را حیف و میل نموده و باسودگی میخورد.

(سفته)

اما سفته سندی است که بمحض حلول سر رسید و اقدام بواخواست مشمول مواد ۲۰۹ و ۲۹۲ قانون تجارت شده و همینکه دادخواست خواهان وارد شد قرار تأمین خواسته

صادر و بدون معطلی و حق اعتراض و مهلت قانونی فقط با ابلاغ قرار بخواننده معادل خواسته از نقد اموال مشارالیه تأمین و توقیف میشود اگر احياناً خواننده خود را مخفی نمود دادگاه با استفاده از مفاد ۲۳۶ آئین دادرسی مدنی دستور اجراء قرار را قبل از ابلاغ داده و مامور اجراء مكلف است (جمله میتواند یا باید با مكلف بودن در مورد اجراء اوامرفرق فاحش دارد) فوری مفاد قرار را بموقع اجراء بگذارد و همین شدت عمل موجب میشود که در حین اجراء قرار اکثر دعاوی بصلح خاتمه یابد و از کثرت کار قضاات و کارمندان اداری کاسته شود و صاحبان حق و طلب بحق خود برسند و اگر دعوی هم بصلح خاتمه نیافت و محاکمه شد بالاخره در تأمین و توقیف است و آفت اعسار و اقساط و امهال و استمهال را ندارد بنابراین معتبرترین سند از نظر عرف تجارت تنها سفته است و لاغیر زیرا برات تجاری هم که در ردیف همین سند قرار گرفته گاهی دچار نکول محال علیه میشود و از انتفاع میافتد و دفتر تاجر صادر کننده برات هم علیه غیر تاجر معتبر شناخته نمیشود به همین لحاظ و جمع زده میشود گفت تنها سند معتبر سفته است.

